

دُرَّةُ التَّاجِ لُغَةُ الدُّبَّاجِ

(بخش حساب)

تألیف

قطب الدین محمود بن معبود بن مصلح کازرونی شیرازی

(درگذشته ۵۷۱۰ هـ. ق)



تصحیح و تعلیقات

سید عبداللہ انوار



- سرشناسه : قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود، ۶۳۴-۷۱۰ ق.
- عنوان قراردادی : درة التاج لغرة الدباج. فارسی. برگزیده
- عنوان و نام پدیدآور : درة التاج لغرة الدباج (بخش حساب) / تألیف قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی؛ تصحیح و تعلیقات سید عبدالله انوار.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری : بیست و هفت، ۶، ۱۴۳ ص.
- فروست : میراث مکتوب: ۳۳۱. رسائل: ۲۳. علوم و فنون: ۷.
- شابک : 978-600-203-183-9
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- عنوان دیگر : فلسفه اسلامی
- موضوع : Islamic philosophy
- موضوع : علوم اسلامی
- موضوع : Islamic science*
- موضوع : ریاضیات
- موضوع : Mathematics
- شناسه افزوده : انوار، سیدعبدالله، ۱۳۰۳-، مصحح
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده‌بندی کنگره : BBR ۹۰۱
- رده‌بندی دیویی : ۱۸۹/۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۲۱۶۶۹

دُرَّةُ التَّاجِ لِغُرَّةِ الدُّبَّاجِ

(بخش حساب)

تأليف

قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی

(درگذشته ۷۱۰ هـ. ق)

تصحیح و تعلیقات

سید عبدالله انوار



دُرَّةُ التَّاجِ لُغَةُ الدُّبَّاجِ

(بخش حساب)

تأليف

قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی

تصحیح و تعلیقات

سید عبداللہ انوار

ناشر

میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

ترجمه‌گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

حروفچین و صفحه‌آرا: رضا سلگی

چاپ اول: ۱۳۹۸ ه‍.ش

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۲۷۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۴۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۱۸۳-۹

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش: ۵۵۵۷

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی مرکز: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین،

شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم، واحد ۹، کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹، صندوق پستی: ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵،

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در سطح ملی و محلی موج می زند. این سطح ها، در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامه ما ایرانیان است. برعمده هر نسلی است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باجه کوششی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین در آنها انجام گرفته و صد ها کتاب در ساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب در ساله محلی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها بطبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تبیین صحیح مجدد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب ها در ساله های محلی و طیفهای است بر روش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ، سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اهمیت و ضرورت احیاء و انتشار رساله های محلی ما را بر آن داشت تا در کنار آثار منتشر شده به انتشار این گونه رساله با صورت مستقل بپردازیم و مجموعه ای ارزشمند در موضوعات مختلف در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دهیم.

اکسپدایران

میراث پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

مقدمه	نه
فَن سیم از جمله چهارم که در علم ریاضی است	۱
مقاله اوّل - در خواص اعداد از آن روی که در نفس خویش کم‌اند	۱
مقاله دوم - در خواص اعداد از جهت نسب	۲۳
مقاله سوم - در خواص اعداد از جهت تشکّل به اشکال	۳۶
مقاله چهارم - در اقسام مناسبات و خواص هریکی	۴۷
تعلیقات	۵۷

مقدمه

کتابی که در صفحات آتی از نظر خواننده محترم می‌گذرد قسمت حساب (= ارثماطیقی) از قسمتهای کتاب دایرةالمعارف گونه علامه قطب‌الدین شیرازی به نام درةالشج لفرّة الدبّاج^۱ است و بنای این کتاب مبتنی بر نظر مشائی در فلسفه است که از ناحیه فیلسوف معروف یونانی ارسطو اعمال شده است. توضیح آنکه از دیرباز در فرهنگ اسلامی تقسیم‌بندی خاص از فلسفه مشائی به نام ارسطو در جریان بوده که بر حسب آن دوستدار حکمت موضوع بحث خود را یا بر اموری قرار می‌دهد که تکوین آنها متکی بر رفتار و قراردادهای انسانی است که قابل تحمل حرکت و تغییر می‌باشد، بر این تقدیر که اگر آن رفتار یا قرارداد ناهمگونی با حیات انسانی نه فرد خاص انسانها پیدا کرد آن قرارداد تبدیل یابد و به جای آن بدیلی از ناحیه انسانها گذارده شود موافق با وضع نو تا با این بدیل خلل در زیست انسانی رخ ننماید. این امور متکون و بدل‌پذیر از طریق انسانی یا عامل آن خود رفتارمند است یا خانواده او و یا اجتماع اوست که بر حسب این سه قسم سه نام از ناحیت حکیمان یافته‌اند: «اخلاق» و «تدبیر منزل» و «سیاست مدن» و این سه رشته از نظر حکیم مشائی «فلسفه عملی» را مشخص می‌نمایند که در برابر این فلسفه عملی فلسفه به وجه مطلق قسیم دیگری در حکمت مشائی دارد به نام «فلسفه نظری» که در آن ذهن پژوهنده متوجه به یک امر انشائی و ایجادى نیست بلکه به وجه انفعالی و

۱. این اثر به خواش دبّاج بن فیله‌شاه بن رستم بن دبّاج از فرمانروایان گیلان نوشته شده است.

ادراکی به عوارض ذاتی اموری می‌پردازد که این امور یا همواره با ماده و حرکت در عین و ذهن مورد لحاظ قرار می‌گیرند و یا آنکه آنها در ذهن فارغ از ماده‌اند ولی در عین با ماده می‌باشند و یا به آخر این امور ملحوظ و مدرک اموریند که بدون ماده هم در ذهن و هم در عین مشخصند و آنها از ناحیه پژوهنده به ترتیب نامهای «فلسفه سفلی» یا طبیعیات و «فلسفه وسطی» یا ریاضیات (و به قول طلاب علوم تعلیمی) و «فلسفه اعلی» یا «مابعد الطبیعی» نام گرفته‌اند.

فلسفه وسطی یا ریاضیات (= علوم تعلیمی) خود چهار زیر مجموعه دارد بدین شرح: الف) حساب (با نام مستعرب یونانی ارثماطیقی): که موضوع آن عوارض ذاتی کم منفصل است. ب) هندسه: که موضوع آن عوارض ذاتی کم متصل می‌باشد. ج) موسیقی: که موضوع آن عوارض ذاتی نسبت دو نغمه است. د) مجسطی: که موضوعش عوارض ذاتی هیئت عالم می‌باشد.

قبل از ورود به حساب که بحث در آن محتوای این کتاب است لازم می‌نماید که قول حکیمانۀ اندیشه‌گر بزرگ ایرانی بوعلی سینا گفته آید که در مقدمۀ کتاب مجسطی شفا فرموده: حکیم در مجسطی نظر بر آن ندارد که «هَیَوی» پروراند بلکه او بر آن است در این رشته از فلسفه وسطی نشان دهد که دید حکیمانۀ او در هیئت عالم بر چیست. این صراحت قول بوعلی در مجسطی به تلویح در حساب و هندسه و موسیقی ساری است یعنی در حساب فیلسوف محاسب نمی‌پروراند بلکه دید فلسفی او در این رشته اشعار می‌دارد بدین ترتیب:

حساب: بحثی است در عوارض ذاتی کم منفصل و شناخت عدد و با این تعریف از حساب لازم است که ببینیم کم منفصل خود چیست و عدد چه می‌باشد.

قید انفصال برای کم: می‌رساند که برای کم بصورت مطلق باید قسم دیگری وجود داشته باشد که برای شناخت آن لازم است که به ابتدا بشناسیم که خود کم من حیث هو چیست و قید اتصال چگونه برای انفصال در مقوله کم قسیمی برای کم منفصل مشخص کند.

کم: علامه قطب‌الدین شیرازی درباره کم می‌گوید: «کم آن عرضی است که بذاته موجب مساوات و تفاوت و تجزی باشد»^۱. و کم منفصل کمی است که ممکن نباشد در و اتصال و بنابر تعریف مشائی آنست که کم اگر این استعداد را داشته باشد که چون در روی آن اجزائی فرض کنیم استعداد اتصال به این اجزاء مفروضه امکان آن دهد که هر جزء از اجزاء مفروضه بتواند اجزاء را برحسب این جزء به دو قسمت کند که قسمی در یک سوی این جزء و قسم دیگر در سوی دیگر بوجهی واقع شوند مشخص از هم و جزء مقسم هم درین تقسیم اجزاء بتواند متعلق به این گروه یا آن گروه قرار گیرد در حالی جزء هر گروه جز گروه خود تعلق به گروه دیگر دارد (آنان که با هندسه‌های عالی آشنایی دارند خوب می‌دانند این تعریف در اتصال چه نقش مهمی در توضیح مطالب دارد) و مراد از قول علامه این است که در کم غیر منفصل یعنی متصل چون خط همواره می‌توانیم نقطه‌ای فرض کنیم که آن نقطه همه نقاط به روی خط را به دو قسمت کند تا قسمتی در جانب راست این نقطه واقع شوند و قسمتی در طرف چپ و خود این نقطه مقسم نقطه‌ای شود که هم می‌تواند در جزء گروه نقاط جانب راست قرار گیرد و هم در چپ و با این تعریف کم منفصل آن می‌شود که چنین ویژگی را نداشته باشد.

اما عدد: عددی که تعریف آن در این رساله طبق متدلوژی ارشماطیقی بر آن متکی بوده کمی است که با دو حاشیه خود این رابطه را دارد: «نیمه حاصل جمع دو حاشیه خود یعنی $a = \frac{(a-1)}{2} + \frac{(a+1)}{2}$ » و حاشیه که از آن به صعودی و نزولی و قریب و بعید تعبیر می‌شود فاصله‌ای است که هر عدد در سلسله طبیعی اعداد با عدد ماقبل و مابعد خود دارد. از این بیان امید است که شبهه «دور» پیش نیاید که عدد به عدد تعریف شده و تقدم شیء بر نفس حاصل آمده است. چه آنچه در بیان عدد گفته شد بیان وصفی است از موصوف و وصف شیء در حالی که برای ذهن اوضح از موصوف باشد همواره در شناساندن شیء می‌تواند مورد لحاظ قرار گیرد. آنچه باید در این گفتار باشد شناخت زنجیره طبیعی اعداد است که بی شبهه از مفاهیم «پیشین» (âpriori) ذهن است و هر

ذهنی به قول کانت با «پیشین»ها به شناخت می‌پردازد (البته در اینجا نباید از کار فرگه آلمانی و برتراند راسل غافل شد که در ریاضیات نوین برای اعداد مطالب دقیقی گفته‌اند) ولی آنچه مدارک تاریخی نشان می‌دهد گذشتگان چون علامه بر عدد جز عدد صحیح و کسری اطلاعی نداشتند و به احتمال به عدد اصم (= گنگ) پی برده بودند آنهم بر حسب قول فیثاغورس درباره رابطه بین وتر مثلث قائم الزاویه با دو ضلع دیگر خود که راز اصمیت از آن به وسیله یکی از شاگردان او کشف شد و چون این شاگرد راز را از پرده به برون انداخته بود در آب غرق گردانیده شد. رازهای صاحبان قدرت جای در آشکاری ندارد!! اما امروزه اعداد گونه‌گونی مورد بحث و فحوص اصحاب علم تعلیمی است که به اجمال از آنها نام برده می‌شود و البته این پرسش درباره آنها مطرح است که آیا اطلاق عدد بر آنها به اصطلاح منطق «اشتراک لفظی» است یا «نقل اصطلاحی». عدد امروز در تقسیم اول به «موهومی» (imaginary number) با علامت (i) معرف $\sqrt{-1}$ و عدد موهومی خود به صورت بسیط چون $(\pm ai)$ یا $(\pm 2i)$ و امثال آن و یا به صورت مختلط چون $(a \pm bi)$ در محاسبات به کار می‌آید، یا «حقیقی» (real number) تقسیم می‌شود و حقیقی خود نیز به متعالی (transcendental) چون عدد پی (π) و عدد (e) پایه لگاریتم نپری و عدد غیرمتعارفی به منطق (= گویا rational) و اصم (= گنگ irrational) منقسم می‌گردد و عدد منطق نیز به دو عدد صحیح و کسری (Fractional. n.) تقسیم می‌گردد و کسری هم به کسر اعشاری و متعارفی تقسیم‌پذیر است. و چون عدد صفر را مبدأ قرار دهیم اعداد بزرگتر از صفر را عدد مثبت (positive. n.) و اعداد کوچکتر از صفر را عدد منفی (negative. n.) می‌نامند و در محاسبات به کار می‌گیرند.

اما خود رساله حساب: این رساله که در صفحات بعد از نظر خواهد گذشت برای آنان که با رساله (یا کتب) شفاء بوعلی سینا به خصوص رسائل غیر مابعدالطبیعی شفا آشنایی دارند، یعنی کتبی که حضرت شیخ فارغ از الزامات دینی می‌توانسته نکته‌سنجی‌ها و ظرافتهای عقلی تازه عرضه دارد که از ذهن وقاد این عصاره هوش حکایت دارد، خوب درمی‌یابند که علامه قطب‌الدین شیرازی با عظمت علمی خود تحت تأثیر کتاب شفاء

شیخ‌الرئیس است و مطالب رساله حساب درةالتاج او چه در باب‌بندی و چه در مطالب و مطاوی سخت پیروی از شیخ می‌کند و خود او ابایی از این پیروی ندارد، و به عبارتی دیگر رساله حساب قطب‌الدین ترجمه‌گونه‌ای است به فارسی از رساله عربی شیخ در حساب که اگر طواری حوادث مانعی در نشر آن پیش نیاورد آن شاء الله ترجمه آن در دسترس طلاب به زودی و شاید همزمان با انتشار این رساله قرار خواهد گرفت. علامه درین رساله به وقت بیان مطالب گاه بیان خود را به صورت ایجاز مخل و معقد می‌آورد که در برابر آن تعقید ایجاب می‌کرد تعلیقاتی همراه شود تا رافع تعقیدات کند به خصوص در قسمت تناسب‌ها و نسبتها که در آنجا گاه به گاه از جبر و مقابله قدیم برای توضیح سود جسته شده است و چون به آن روزگار حل معادلات درجه دوم جبر هنوز شناخته نشده بود در این موارد ضمن توضیح قول علامه از معادله درجه دوم نیز استفاده شده است. اما علم حساب در فرهنگ اسلامی بنابر آنچه اسناد تاریخی نشان می‌دهد از برگرداندن کتاب حساب نیکوماخوس از زبان یونانی به زبان عربی در بیت الحکمة مأمونی است و نیکوماخوس خود از فیثاغورسیان نو بود که در قرن اول مسیحی می‌زیست و در کتاب خود به مباحث راجع به اعداد و خواص آنها به صورت عالمانه و مستقل نه در ضمن مطالب دیگر پرداخته بود و مورد قبول آن روزگار قرار داشت.

اما این رساله حساب حاضر چنانکه در فوق آمده از رسائل متعدد کتاب دائرةالمعارف‌گونه درةالتاج لغرةالدباج است که خود کتاب درةالتاج واجد قسمتهای فلسفی و غیرفلسفی است. قسمت فلسفی آن را به صورت جلد اول درةالتاج مرحوم محمد مشکوه که دستی در فلسفه داشته‌اند با نهایت دقت در سالهای قبل و در پاره‌ای از موارد با پانوشتهای عالمانه‌ای منتشر نموده‌اند و رساله حساب و موسیقی و مجسطی آن از طریق فردی با امضای «ص» و «س» منتشر و به نام جلد دوم در دسترس طالبان قرار گرفته بود. این جلد دوم که اغلاط بی‌شمارش حکایت از تهی‌دستی منتشرکننده از مباحث علمی داشته است امکان انتشار مجدد آن با اتکاء بر آن نشر نمی‌رفت لذا با استعانت از دو نسخه خطی مورد انتساخ قرار گرفت و امید است این چاپ متکی بر انتساخ التقاطی به ظاهر متن تصحیحی را تقدیم خواننده بنماید.

قبل از معرفی نسخ مورد استفادت باید به این نکته توجه داشت که در تصحیح متن انتقادی کتب کاملاً عقلی چون حساب و هندسه تکیه بر نسخ خطی باید با نهایت دقت به عمل آید؛ یعنی ابتداء مسأله برای تصحیح‌کننده منفک از تحریرات نسخ خطی مورد لحاظ قرار گیرد و مسأله از طریق تصحیح‌کننده حل گردد و پس از تیقن حتی متن در خیلی از موارد تصحیح گردد. در تصحیح کتاب ارثماطیقی علامه برین نهج عمل شد، چنانکه در تعلیقات دیده می‌شود. بدین ترتیب این متن ابتدا از دو نسخه خطی یکی به تاریخ کتابت ۷۸۷ ه. ق. با نام کاتب محمدعلی نوشته شده در ترشیز (نسخه ۱) و دیگری به کتابت به تاریخ ۸۱۰ ه. ق. بقلم علی‌رضا نوشته شده در بلده کاشان (نسخه ۲) مورد انتساخ قرار گرفت و کاتبان گرچه در نقل مطالب دقت کرده‌اند و حتی یکی از آنها (نسخه ۸۱۰) ادعای بلوغ مقابله نموده است ولی در محاسبات واجد تغافل‌هایی بود که حکایت از بی‌اطلاعی کاتب در محاسبات می‌نماید و بعد از فراهم‌آوری متن چاپی خوشبختانه از طریق مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب سه نسخه خطی با نامهای اختصاری «ق» و «د» و «ک» با مشخصات کامل زیر در دسترس مصحح قرار گرفت و با آنها متن چاپی مقابله گردید و در دستگاه چاپ قرار گرفت.

نسخه ق: دستنویسی است که به شماره ۴۳۱۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این نسخه در سال ۷۲۰ ق به خط نسخ متمایل به ثلث به قلم فرخ بن عبدالله کتابت شده است. دارای ۴۰۶ برگ و شامل یک دوره کامل از درة التاج است (نک: فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ص ۲۴۶). در آغاز نسخه ظهیری‌ای مذهب قرار دارد که نام اثر و مؤلف در کتیبه‌های بالا و پایین آن نوشته شده است. عبارات مندرج در کتیبه میانه صفحه - که احتمالاً حاوی عبارات به رسم خزانة بوده - محو شده و بجای آن یادداشت‌های تملک، عرض و وقفیه نوشته شده است. سرفصل‌ها و عنوان‌ها به قلم درشت‌تر و برخی با زر مکحول و شنگرف نوشته شده است. نسخه با جدول است.

نسخه د: دستنویسی است که به شماره ۴۷۲۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود.

این نسخه در سال ۷۰۵ ق به خط تعلیق کتابتی به قلم منصور بن محمد بن محمود بن یوسف الشیرازی معروف به کرده کتابت شده است. دارای ۶۱۹ برگ و شامل یک دوره کامل از درةالتاج است (نک: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۳، ص ۱۰۲). در آغاز نسخه ظهیریه‌ای مذهب و نفیس - به شیوه سده هفتم و هشتم - تعبیه شده که نام اثر و مؤلف در کتیبه‌های بالا و پایین آن نوشته شده است. در ترنج میانه صفحه مطالبی (احتمالاً نام مهدی الیه نسخه) نوشته شده بوده که بخش‌هایی از آن محو شده است. در نخستین صفحه نسخه یک سرلوح کتیبه‌ای ترسیم شده است. برخی سرفصل‌ها و عنوان‌ها به سنگرف و برخی با همان سیاهی اما به قلم درشت‌تر و به خط ثلث کتابت شده است. فقط دو صفحه نخست، دارای جدول است.

نسخه ک: دستنویسی است که به شماره ۸۱۶ در مجموعه داماد ابراهیم پاشا در کتابخانه کوپرولو نگهداری می‌شود. نسخه در سال ۷۰۶ ق به خط تعلیق کتابتی انتساخ شده است. کاتب در انجامه نام خود را ثبت نکرده است. نسخه در ۲۶۶ برگ و شامل یک دوره کامل از درةالتاج است (نک: فهرست مخطوطات مکتبه کوپرلی، ج ۱، ص ۴۲۴). ظهیریه نسخه دارای تذهیبی - به شیوه سده هفتم و هشتم - با یک ترنج درشت در میانه است که نوشته درون آن پاک شده است. دو کتیبه در بالا و پایین ترنج ترسیم شده که درون آنها نام کتاب و مؤلف نوشته است. نخستین صفحه، متن و حاشیه شده و فقط دو صفحه نخست، دارای جدول است.

درین جا باید یادآوری شود که این سه نسخه «ق» و «د» و «ک» از آن مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب بنا بر قول آن مؤسسه از طریق آقای حنیف قلندری مقابله شده بودند و بعدها که در دسترس مصحح قرار گرفت افاضاتی برای متن آماده چاپ نداشت بلکه در پاره‌ای از موارد متن این سه نسخه خود حاجت به تصحیح داشت.

اما علامه که مؤلف این اثر است چون او در این رساله به توضیح امری پرداخته که آنان که کتاب درةالتاج را به دست می‌گیرند باید تا حدی اطلاع بر مطای آن داشته باشند دیگر لازم ننمود که در معرفی کتاب طبق روش قدما معرفی از «رؤوس ثمانیه» آغاز شود

که قدما در شناساندن کتب ناشناخته خود استفادت می‌کردند. در اینجا فقط قناعت به معرفی مؤلف کتاب در مقدمه شد.

نام او محمود بن مسعود بن مصلح‌الدین شیرازی ملقب به قطب‌الدین است که به سال ۶۳۴هـ.ق در خانه‌ای از پزشکان معروف فارس پا به عرصه حیات گذاشت. پدرش ضیاء‌الدین مسعود بن مصلح‌الدین کازرونی از طبیبان معروف زمان خود است که در بیمارستان مظفری فارس به درمان بیماران ایستاده بود. برادر او که عموی قطب‌الدین می‌شود به نام کمال‌الدین ابوالخیر کازرونی نیز از پزشکان سرشناس فارس بود. قطب‌الدین از خردسالی به نزد او پزشکی می‌آموخت و در چهارده سالگی که پدر را از دست داد خود توانست با حمایت عموی خود در بیمارستان مظفری به درمان درد بیماران نشیند و طبابت کند. ضیاء‌الدین پدر قطب‌الدین از طریق شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی خرقه صوفیان پوشید و پسر او قطب‌الدین نیز از دست نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی از مشایخ مشهور صوفیان خرقه پوشانیده شد. قطب‌الدین از طریق عموی خود کمال‌الدین و سپس شمس‌الدین احمد کیشی با کلیات کتاب قانون بوعلی سینا آشنا شد و بعد شاگردی شرف‌الدین زکی بوشکانی کرد که از مدرسان قانون بود و سپس چون دانست که این استادان همگی بیان‌کننده شرح قانون امام فخررازی‌اند او خود این شرح را به مطالعه گرفت و چون صاحب ذهنی وقاد بود در مطالعه شخصی خود کامیابی‌هایی حاصل کرد ولی واجد مشکلاتی بود که باید رافع آنها خواجه نصیرالدین دانشمند وقت باشد. پس راه مراغه پیش گرفت که خواجه نصیر در آن روزها در رصدخانه‌ی احدائی به کار ستارگان می‌پرداخت. او در محضر خواجه به علوم دیگر دست یازید و چون صاحب هوش برتر بود در فلسفه و ریاضی و نجوم به مقام بالا رسید و صاحب‌نظر شد و سپس به سفرها رفت. در مصر چون عالمی عالیقدر بود حرمتها یافت و به سال ۶۸۱هـ.ق در سیواس و ملطیه بر کرسی قضا نشست و بعد از سفرها به آخر در تبریز رحل اقامت افکند. در عین آنکه با کتاب سر و کار داشت از نواخت عود بی‌بهره نبود و در بازی شطرنج هم شطرنج‌باز زبردست بود و به سال ۷۱۰هـ.ق در تبریز جان

سپرد و در گورستان چرنداب تبریز به خاک شد. او را کتب متعددی است غیر از دایرةالمعارف درةالتاج، از آن جمله است: تحفة السعدیة در شرح کلیات قانون اهدا به سعدالدین محمد وزیر ساوجی. در هندسه ترجمه فارسی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین به فارسی. در نجوم نهاية الادراک فی درایة الافلاک و التحفة الشاهیة در هیئت که بسیار رساتر از تذکرة خواجه نصیر است. در فلسفه شرح حکمة الاشراق و در تفسیر قرآن فتح المنان فی تفسیر القرآن و حاشیه بر کشاف زمخشری. او درباره نور و قوس قزح نظریات جالب توجهی داشت و در معانی و بیان نیز صاحب رسالاتی است.

نشر مجدد رساله حساب درةالتاج قطب الدین شیرازی به عنایت جناب آقای دکتر اکبر ایرانی مدیر محترم مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و سعی و دقت سرکار خانم زهرا طاوسی و آقای رضا سلگی در مراحل چاپ به زمانی است که کسالت مزاج و رمدم چشم که نعوذ بالله من الهمد نگارنده را «از هستی خویش در گمانم» افکنده است امید آنکه در دست اهل حساب قرار می گیرد و در روز حساب آن روزی که «لاینفع مال و لابنون» بتواند پاسخگوی این بی حسابی های روزگار فانی باشد. «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» انت غفّار الذنوب.

تهران - آجودانیة شمیران - پاییز ۱۳۹۷ شمسی

سید عبدالله انوار